

اخبار و تحلیل‌ها

نشریه روزانه (داخلی) معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

سال بیست و هشتم / شماره ۶۷۸۳

چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵

امام خامنه‌ای (ره):

خب اسلام بر پایه‌ی عقل و ایمان است. کلّ برنامه‌های اسلامی را با عقل و ایمان باید سنجید و فهمید و عمل کرد. اینها نه عقل داشتند، نه ایمان. پیغمبر وارد این جامعه شد؛ یعنی این بیانات الهی را، وحی الهی را، کلام خدا را برای یک چنین مردمی تلاوت کرد و توانست در طول مدّت سیزده سال — که سیزده سال زمانی [طولانی] نیست — از بین همین مردم، عمّار درست کند، ابوذر درست کند، مقداد درست کند؛ از بین همین مردم!

۱۴۰۴/۱۰/۲۷

کودتای ۲۸ مرداد؛ نتیجه گسست سیاست از هویت دینی

📌 حمزه عالمی

ایران معاصر عرصه نبردی پنهان است میان آنان که این سرزمین را با حافظه تاریخی‌اش می‌شناسند و آنان که آن را تنها در آینه دیگری می‌بینند. گروه دوم، از همان آغاز، ترقی را با خودباختگی اشتباه گرفتند و به جای آنکه غرب را به مثابه تجربه‌ای قابل نقد و گزینش بنگرند، آن را به قبله رستگاری بدل کردند. چنین نگاهی، ملت را نه یک موجود زنده با سنت‌ها و ریشه‌ها، که ماده‌ای خام برای مهندسی اجتماعی می‌بیند و دین و هویت اصیل این ملت را بزرگ‌ترین مانع این مهندسی می‌پندارد. اما همین نگاه، هیچ‌گاه نتوانست پایگاه توده‌ای بسازد؛ چون از جنس مردم نبود، از جنس آرزوهای روشنفکرانی بود که در شهرهای اروپایی از ایران فاصله گرفته بودند.

در مشروطه، این خیانت با ظرافت تمام اجرا شد. جریان مؤمن به غرب ابتدا در سایه علما و با شور دینی مردم وارد صحنه شد، اما به محض آنکه مشروطه به ثمر نشست، متمم قانون اساسی را که

نظارت فقها بر قوانین را تضمین می‌کرد، همچون زنجیری بر پای مدرنیته معرفی کرد. در ادامه، با ایجاد شکاف میان علما، حذف منتقدان و ابهام‌آفرینی در اصول هویتی، چنان فضایی ساخت که جریان اصیل دینی یا ترور شد، یا منزوی گشت. اما سرانجام چه شد؟ همان‌ها که دین را مانع قدرت خود می‌دانستند، حاضر شدند قدرت به دیکتاتوری برخاسته از استعمار، یعنی رضاخان، برسد؛ اما لحظه‌ای راضی نشدند که هویت دینی ملت در ساختار قدرت سهیم شود. این انتخاب، ساده و درعین‌حال ویرانگر بود: ترجیح استبداد سکولار بر حاکمیت هویت طلبات.

این خط ثابت در نهضت ملی شدن نفت، به یکی از تلخ‌ترین لحظه‌های خود رسید. مصدق به قدرت نرسید، بلکه او را به قدرت رساندند؛ و این تفاوت کمی نیست. آنچه او را بر مسند نشاند، توده‌های مذهبی بودند که با اعتماد به آیت‌الله کاشانی به خیابان آمدند. ۳۰ تیر ۱۳۳۱ اوج این پیوند بود؛ روزی که اراده دینی ملت، دولت مصدق را از سقوط رهاوند. اما مصدق این پشتوانه را باور نکرد. او به جای تقویت ائتلاف با کاشانی، به حذف او از معادله قدرت پرداخت و مجلس هفدهم را به بهانه همه‌پرسی منحل کرد. پاسخ مصدق به نامه کاشانی خیال‌انگیز و وهم‌آلود بود: او دولت خود را مستحضر به پشتیبانی ملت ایران می‌دانست. این جمله از کسی صادر می‌شد که تازه همان ملت را از مهم‌ترین سرمایه‌اش، یعنی پیوند با هویت اصیل دینی‌اش محروم کرده بود.

کودتای ۲۸ مرداد را نباید تنها در سفارتخانه‌های لندن و واشنگتن جست‌وجو کرد. نقش سیا و MI۶ مستند و انکارناپذیر است، اما دخالت خارجی تنها وقتی به نتیجه می‌رسد که دولت

از درون فروپاشیده باشد. دولت مصدق از درون فروپاشیده بود؛ نه از فشار اقتصادی و نه از تهدید نظامی، بلکه از گسست میان سیاست و هویت. وقتی دولت، مجلس را بست، علما را کنار زد و ملت واقعی را با ملت خیالی جایگزین کرد، میدان برای توطئه باز بود. آنچه در مرداد ۱۳۳۲ شکست خورد، تنها یک دولت نبود؛ یک الگوی فکری بود که می‌خواست ایران را بدون تاریخ، بدون دین و بدون هویت مدرن کند.

پس از انقلاب اسلامی نیز همین جریان با همان منطق وارد صحنه شد. در دوران مبارزه، در صف مردمی ایستاد که به نام اسلام و با رهبری امام خمینی به خیابان آمده بودند؛ اما پس از پیروزی، به محض آنکه هویت دینی در ساختار قدرت نهادینه شد، مدعی شدند انقلاب را دزدیده‌اند. تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ عیار این جریان را آشکار کرد. اما نکته اینجاست که این جریان، هر کجا مسئولیت یافت، هیچ افتخاری برای این سرزمین نیافرید؛ فقط آموخت که شکست‌های خود را به هویت دینی حواله دهد و هر بحرانی را به جای خود، به اسلام نسبت دهد. درس این تاریخ تلخ، عمیق‌تر از یک اختلاف سیاسی است. در ایران، جریان مؤمن به غرب هنوز هم در پی آن است که با مهندسی روایت، گذشته را چنان بازآرایی کند که گناه اصلی بر دوش همان ملتی افتد که روزگاری به آن امید بسته بود. اما تاریخ را نمی‌توان برای همیشه وارونه نگه داشت.

بندر امیرآباد برای ایران فقط یک بندر تجاری در ساحل خزر نیست؛ این بندر می‌تواند حلقه اتصال روسیه، قزاقستان و آسیای مرکزی به شبکه ریلی ایران و در ادامه خلیج فارس و آب‌های آزاد باشد. به همین دلیل، هر تصمیم درباره رژیم حقوقی دریای خزر، باید از منظر منافع اقتصادی این بندر و سهم ایران از تجارت منطقه نیز بررسی شود. کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در سال ۲۰۱۸ میان ایران، روسیه، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان امضا شد، اما تحدید حدود بستر و زیربستر را به توافق‌های جداگانه واگذار کرده است. از همین جا یک سؤال مهم برای ایران شکل می‌گیرد: آیا صرف تعیین چارچوب حقوقی فعالیت در خزر، بدون تضمین سهم ایران از اقتصاد و ترانزیت این دریا، برای منافع کشور کافی است؟

اهمیت این پرسش درباره امیرآباد بیشتر است. این بندر به شبکه ریلی کشور متصل است و ظرفیت اسمی آن در سال‌های اخیر از حدود ۷,۵ میلیون تن به ۱۰ میلیون تن افزایش یافته است. چنین ظرفیتی در صورت اتصال مؤثر به شبکه حمل‌ونقل داخلی، می‌تواند امیرآباد را به یکی از دروازه‌های اصلی ورود بار کشورهای شمال خزر به ایران تبدیل کند. از سوی دیگر، رقبای ایران در

خزر در حال توسعه ظرفیت‌های خود هستند. قزاقستان بندر کوریک را به یکی از محورهای اصلی حمل‌ونقل ترانس‌خزر تبدیل کرده و برای توسعه پایانه‌های چندمنظوره و حمل‌ونقل رو-رو سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین رقابت در خزر فقط بر سر مساحت آب یا منابع زیر بستر نیست؛ رقابت بر سر جذب بار و تبدیل بنادر به گره‌های اصلی زنجیره تأمین اوراسیاست.

در چنین شرایطی، امیرآباد می‌تواند یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ایران باشد. دولت قزاقستان نیز پیش‌تر از توسعه مسیر مستقیم کوریک-امیرآباد برای انتقال کالا از قزاقستان به ایران و سپس بازارهای جنوبی سخن گفته است؛ مسیری که در صورت توسعه خدمات منظم دریایی و ریلی، می‌تواند به یکی از شاخه‌های مهم تجارت شمال-جنوب تبدیل شود. اما مسئله اینجاست که مزیت جغرافیایی ایران زمانی ارزش اقتصادی پیدا می‌کند که به سهم واقعی از بار تبدیل شود. اگر بنادر رقیب در دو سوی خزر سریع‌تر توسعه پیدا کنند و مسیرهای منظم، ارزان و قابل پیش‌بینی ارائه دهند، ممکن است بخش مهمی از تجارت منطقه از مسیرهایی عبور کند که ایران در آن‌ها نقش محدودی دارد.

از این منظر، بررسی کنوانسیون در مجلس نباید صرفاً به این پرسش محدود شود که «این سند چه تعهداتی برای ایران ایجاد می‌کند؟» بلکه باید به سؤال اقتصادی مهم‌تری پاسخ دهد که این چارچوب حقوقی چه تضمینی برای استفاده حداکثری ایران از امیرآباد و سایر بنادر شمالی در تجارت و ترانزیت خزر ایجاد می‌کند. کنوانسیون ممکن است چارچوب همکاری و کشتیرانی میان کشورهای ساحلی را تقویت کند، اما تضمین سهم ایران از

بار ترانزیتی، ایجاد خطوط منظم کشتیرانی، سرمایه‌گذاری در بنادر، اتصال ریلی و رقابت‌پذیری تعرفه‌ای، موضوعاتی فراتر از متن کنوانسیون هستند. بنابراین، اگر قرار است این سند به تصویب برسد، ضروری است سیاست ایران در قبال خزر همزمان با آن، بر حداکثرسازی منافع اقتصادی امیرآباد و سایر بنادر شمالی متمرکز شود. امیرآباد امروز یک دارایی راهبردی ایران در خزر است که نباید با عجله و بی‌ملاحظگی، از آن غافل شد.

▼ خبر ویژه

جولان جاسوسان سی‌ای‌ای در رسانه‌ها!

دیوید گیبز، استاد تاریخ دانشگاه آریزونا، با اشاره به همکاری پنهان سی‌ای‌ای با دانشگاه‌ها و رسانه‌های بزرگ آمریکا، از نقش این شبکه در روایت‌سازی علیه کشورهایی مانند روسیه و ایران پرده برداشت و تأکید کرد که اساتیدی که خلاف جریان رسمی حرکت می‌کنند، «بهای سنگینی می‌پردازند و از عرصه پژوهش و سکوهای رسانه‌ای طرد یا حذف می‌شوند.» گیبز با اشاره به تحقیقات کمیته چرچ در سال ۱۹۷۵، فاش کرد که «حداقل هزار جلد کتاب با حمایت پنهانی سی‌ای‌ای منتشر شده است» و دانشجو یا پژوهشگری که امروز به کتابخانه دانشگاه می‌رود، هرگز نمی‌تواند مطمئن باشد که اثر مورد نظر با اتکا بر منابع مالی سی‌ای‌ای تولید نشده است. وی با انتقاد از نبود الزام قانونی برای

افشای منابع مالی در علوم سیاسی، گفت که در حوزه پزشکی محققان ملزم به افشای تضاد منافع هستند، اما در علوم سیاسی «هرگز مقاله یا کتابی ندیده‌ام که در آن نوشته باشد این اثر توسط سی‌ای‌ای تأمین مالی و/یا ویرایش شده است.» گیبز به مطالعه کارل برنشتاین در سال ۱۹۷۷ اشاره کرد که نشان می‌داد صدها خبرنگار آمریکایی برای سی‌ای‌ای کار می‌کردند و نیویورک تایمز پرنفوذترین رسانه در این شبکه بود. او با اشاره به جنگ اوکراین و حملات آمریکا به ایران، تأکید کرد که دانشگاهیان آمریکایی به جای ایفای نقش اصیل خود یعنی به چالش کشیدن قدرت، به «دهانگوی قدرت» تبدیل شده‌اند.

▼ اخبار

ترامپ آمریکا را در بن‌بست راهبردی قرار داد

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا، با اشاره به جنگ علیه ایران، تأکید کرد که دونالد ترامپ ایالات متحده را در «یک بن‌بست راهبردی» قرار داده و اکنون تنها دو گزینه بد پیش روی واشنگتن باقی مانده است: ادامه جنگ با هزینه‌های اقتصادی و خطر تشدید درگیری، یا پذیرش یک «توافق بسیار بد» با ایران. به گفته سالیوان، ایران در حال افزایش مطالبات خود برای بازگشایی تنگه هرمز است و با گذشت هر هفته، شروط بیشتری را مطرح می‌کند. وی با اشاره به اینکه «آمریکا واکنش

ایران را دست کم گرفته بود»، تصریح کرد که این تصور که با آغاز یک جنگ برای تغییر رژیم و ترور رهبر ارشد ایران، تهران واکنش شدید نشان نخواهد داد، «از سوی هر فرد جدی در جامعه اطلاعاتی آمریکا فوراً رد می‌شد.» سالیوان با بیان اینکه «هیچ راهی برای اطمینان از اینکه ایران به‌طور قابل راستی‌آزمایی از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازداشته می‌شود، جز از طریق توافقی که شامل بازرسی‌های گسترده باشد وجود ندارد»، تأکید کرد که این امر مستلزم دیپلماسی و مذاکره است. مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا همچنین با اشاره به نقش عمان در تلاش برای کاهش تنش، گفت که عمان و آمریکا هر دو خواهان باز ماندن تنگه هرمز هستند. سالیوان در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از نتانیاهو، گفت که نخست‌وزیر رژیم صهیونی «تلاش کرده چندین رئیس‌جمهور آمریکا را به ورود مستقیم به جنگ با ایران متقاعد کند» و همچنان به دامن زدن به درگیری و بی‌ثباتی ادامه داده است. وی همچنین هشدار داد که جنگ با ایران به روسیه کمک کرده و آمریکا تعداد بسیار زیادی از موشک‌های رهگیر پاتریوت را برای جنگی مصرف کرده که از ابتدا محکوم به شکست بود.

دعوی عربستان و امارات به روابط بانکی کشید

رویترز به نقل از سه منبع مطلع گزارش داد که عربستان سعودی نظارت بر مبادلات بانکی با امارات متحده عربی را به طور قابل توجهی تشدید کرده و برای نقل و انتقال‌های مالی به مقصد امارات، استانداردهایی مشابه با کشورهای که در دسته پرریسک و دارای جرایم مالی قرار می‌گیرند، اعمال کرده است. این تشدید

نظارت در حالی صورت می‌گیرد که تنش‌های میان ریاض و ابوظبی بر سر سهمیه‌های نفتی و نفوذ ژئوپلیتیک، به‌ویژه پس از اختلاف بر سر حمایت از طرف‌های مخالف در جنگ یمن، افزایش یافته است. فایننشال تایمز در اردیبهشت ماه از تشدید تنش میان دو کشور خبر داده بود و در تیر ماه نیز بلومبرگ و فایننشال تایمز نوشته بودند که شرکت‌های اماراتی در انتقال پول‌های خود از حساب‌های بانکی در عربستان به امارات با مشکل مواجه شده‌اند. بر اساس گزارش رویترز، بانک مرکزی عربستان به بانک‌های این کشور دستور داده است که هنگام تسویه حساب با امارات، بررسی‌های بیشتری در حوزه پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و سایر جرایم مالی انجام دهند. فعالان اقتصادی امارات از تاخیر در انتقال ارز یا بازگشت آنها شکایت دارند.

گرمای تابستان، صنعت برق اروپا را فلج کرد

خشکسالی شدید تابستان امسال، صنعت هسته‌ای اروپا را به چالش کشیده و دست‌کم ۶ رآکتور هسته‌ای در رومانی و مجارستان را به دلیل افت شدید سطح آب رودخانه‌ها و افزایش دمای آنها، از مدار خارج کرده یا با توان بسیار پایینی به کار گرفته است. مجموع ظرفیت این رآکتورها حدود ۳،۴ گیگاوات است که نزدیک به ۳ درصد از کل ظرفیت هسته‌ای اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. در رومانی، هر دو رآکتور نیروگاه «چرنوودا» با ظرفیت ۷۰۶ مگاواتی، یکی در تیر و دیگری در مرداد، به دلیل کاهش جریان آب دانوب از مدار خارج شدند. دولت رومانی برای جلوگیری از این تعطیلی، اقداماتی مانند لایروبی و انفجار صخره‌های زیرآب انجام داد که هزینه‌ای بیش از ۲ میلیون یورو

داشت، اما بی‌نتیجه ماند. این تعطیلی که ۱۸ تا ۲۰ درصد برق رومانی را تأمین می‌کرد، دولت را ناچار به اعلام وضعیت اضطراری و افزایش واردات برق کرد. در مجارستان، چهار رآکتور نیروگاه «پاکس» با توان مجموع ۲۰۰۰ مگاوات، ابتدا به ۱۰ درصد و سپس به ۲۵ درصد ظرفیت کاهش یافتند. نخست‌وزیر مجارستان برای جلوگیری از تعطیلی کامل این نیروگاه که سابقه ۴۴ ساله دارد، دستور ساخت سد زیرآبی و غرق‌سازی دو کشتی را با هزینه ۱۹ میلیون دلار صادر کرد، اما خسارت ماهانه کاهش تولید حدود ۱۵۸ میلیون دلار تخمین زده می‌شود. فرانسه که بزرگترین تولیدکننده برق هسته‌ای اروپا محسوب می‌شود، نیز از این بحران بی‌نصیب نمانده و مرکز پژوهش‌های اروپا تأیید کرده که افزایش دما و کاهش آب رودخانه‌ها، تولید برق هسته‌ای فرانسه را کاهش داده است. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که مجموع خسارت‌های اعلام‌شده برای رومانی و مجارستان به بیش از ۲۰۰ میلیون یورو می‌رسد و اگر خشکسالی ادامه یابد، خسارت کلی ناشی از کم‌آبی در سال ۲۰۲۶ می‌تواند به ۷۵ میلیارد یورو برسد که معادل یک درصد از تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا است.

◀ محمد مخبر، مشاور رهبر معظم انقلاب، تأکید کرد: «تنگه هرمز ایرانی می‌ماند.» وی گفت: «تنگه هرمز به‌عنوان بخشی از جمهوری اسلامی، ایرانی بوده و ایرانی خواهد ماند و به‌جز با تدابیر و برنامه‌های جمهوری اسلامی، امکان بهره‌برداری از آن وجود ندارد.» مخبر با اشاره به رفتار ترامپ افزود: «این وضعیتی که ترامپ ایجاد می‌کند، برای همه دنیا دردسر می‌سازد؛ ما نسبت به منافع خودمان اقتدار خواهیم داشت و به پشتیبانی و احقاق منافع خواهیم ایستاد.» وی تأکید کرد دشمن نمی‌تواند حق و منافع ایران را بگیرد.

اداره ارتباطات ریاست جمهوری ترکیه اعلام کرد ادعاهای بنیامین نتانیاهو با هدف توجیه حملات هوایی غیرقانونی رژیم صهیونی علیه حاکمیت سوریه مطرح شده است. در بیانیه آنکارا آمده است: «اتهامات مطرح شده ناشی از تمایل نتانیاهو برای ادامه سیاست‌های توسعه‌طلبانه و ثبات‌زدای خود در منطقه، پیش از انتخابات است.» ترکیه تأکید کرد: «تنها راه صلح پایدار، کنار گذاشتن سیاست‌های تهاجمی نتانیاهو و احترام به قوانین بین‌المللی است.»

سی‌ان‌ان به نقل از منابع آگاه گزارش داد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از تسلیم نشدن ایران در برابر خواسته‌هایش ناراضی است و به فرستادگان ارشد خود دستور داده گفت‌وگوها با تهران را متوقف کنند. بر اساس این گزارش، مقام‌های آمریکایی به متحدان خود اطلاع داده‌اند که در حال تغییر استراتژی هستند و قصد دارند روند محاصره اقتصادی ایران را در پیش بگیرند. سی‌ان‌ان افزود: «ترامپ می‌خواهد تا زمانی صبر کند که رهبران ایران آمادگی تازه‌ای برای انعقاد توافق نشان دهند.»

مایک هاکی، سفیر آمریکا در تل‌آویو، در موضع‌گیری کم‌سابقه، حملات شهرک‌نشینان صهیونیست در کرانه باختری را مصداق «تروریسم» خواند و تأکید کرد این رفتارهای آشوب‌طلبانه به منافع رژیم صهیونی آسیب می‌زند. این انتقاد در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌ها از تشدید حملات وحشیانه شهرک‌نشینان به خانه‌ها و مزارع فلسطینیان حکایت دارد. گروه‌های حقوق بشری این حملات را بخشی از نقشه هدفمند برای غصب زمین‌های فلسطینی می‌دانند و آن را نتیجه سیاست‌های افراطی کابینه نتانیا هو ارزیابی می‌کنند.

حماس اعلام کرد بنیامین نتانیاهو عامدانه توافق غزه را نقض می‌کند. در بیانیه این جنبش آمده است: «قتل عام جدید ارتش اشغالگر تروریستی علیه غیرنظامیان بی‌گناه در بندر غزه، نشان‌دهنده اقدام تجاوزکارانه آشکار و تشدید عمدی خونریزی است.» حماس افزود: «زمان وقوع این جنایت، آن‌هم پس از جلسات اخیر قاهره و تلاش‌های میانجی‌گران، بدون هیچ شکی تلاش عمدی نتانیاهو برای خرابکاری در تلاش‌های مذاکره را تأیید می‌کند.»